



اثر «ایمان»، ندامت و پشیمانی از گناه است/ خدا توبه را دوست دارد

وقتی مؤمن گناهی را مرتکب شد، پشیمانی او را به استغفار و آمرزش خواستن وادار می‌سازد و تعالیم اسلام گناهکاران را به رحمت خدا امیدوار و از ناامیدی و یأس نجات می‌دهد.

وقتی مؤمن گناهی را مرتکب شد، پشیمانی او را به استغفار و آمرزش خواستن وادار می‌سازد و تعالیم اسلام گناهکاران را به رحمت خدا امیدوار و از ناامیدی و یأس نجات می‌دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان» اثر آیت الله صافی گلپایگانی است که در ادامه می‌خوانید؛

بهترین روش‌ها برای ترمیم و جبران گناه و اعاده حیثیت و شرافت گناهکار- که از عوامل مهم تربیت و تهذیب اخلاق و تصفیه ارواح نیز هست و در عین حال از سهولت و آسانی و وسعت دین اسلام حکایت می‌کند و شرافت و آبروی گناهکار را در نزد دیگران نمی‌ریزد و وجدان و قلب او را از تاریکی و کدورت پاک می‌سازد- استغفار، طلب آمرزش و توبه و بازگشت به سوی خدا است.

اسلام در ضمن بسیاری از تعالیم اجتماعی، حفظ شرف و موقعیت و مقام اجتماعی و حرمت و آبروی افراد را منظور داشته و کشف و آشکار شدن نهانی‌های کارهای مردم را نخواستند و افشای معایب و اشاعه فحشاء را به شدت ممنوع کرده است.

نظر اسلام آن است که هر که قدمش به سنگ معصیتی خورد و لغزشی او را به زمین انداخت، باید به پا خیزد و در راه خدا و به سوی خدا قدم بردارد و از مجاهده و کوشش باز نایستد.

هر فردی باید خود به حساب خویشتن رسیدگی کند، و به پرونده اعمال خود نظر نموده، و در محکمه وجدان، بازپرس خودشود.

حَاسِبُوا انْفُسَكُمْ قَبْلَ انْ تُحَاسِبُوها وَرَزُوها قَبْلَ انْ تُرَزُوها، وَتَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْاَكْبَرِ

جبران گناه و آمرزش معاصی، به رفتن نزد کشیش، و اقرار به گناه در نزد او احتیاج ندارد؛ شکنجه بدنی و مقرض کردن و قطع اعضا نمی‌خواهد.

جبران گناه و آمرزش و پذیرش توبه، بیش از بیداری ضمیر و شعور و توجه به زیان گناه و پشیمانی و تصمیم به پاک شدن از گناه، بازگشت به راه خدا، ادای حقوق و خلاصی از مظالم، شرط دیگری ندارد.

اگر مؤمن مرتکب گناهی شد چون به آثار شوم و خطرناک گناه آگاه است، پشیمان می‌شود؛ همان‌طور که اگر فردی ندانسته یا در حال عصبانیت سم بخورد، یا اموالش را آتش بزند، یا فرزند خود را به قتل رساند، یا به ولی نعمت خود توهین کند، پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشود بر حسب حدیث:

قَمَنْ لَمْ يَنْدَمْ عَلَى ذَنْبٍ يَرْتَكِبْهُ قَلْبِسَ يَمُؤْمِنٍ

او مؤمن نیست.

اثر «ایمان»، ندامت و پشیمانی از گناه است و ندامت از گناه در «توبه» کافی است.

وَكَفَى بِالنَّدَمِ التَّوْبَةَ

وقتی مؤمن گناهی را مرتکب شد، پشیمانی او را به استغفار و آمرزش خواستن وادار می‌سازد و تعالیم اسلام گناهکاران را به رحمت خدا امیدوار و از ناامیدی و یأس نجات می‌دهد. این مژده الهی و بشارت قرآنی در کالبد مرده، روح

تازه می دمد:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ انْفُسِهِمْ لَا تَفْنَوْا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

آری، خدا غفار، رحیم، ستار، تواب و واسع المغفره والرحمه است. بنده توبه کار را دوست می دارد؛ و هیچ انسانی محکوم به بدبختی نیست.

در برخی اخبار و روایات آمده است که وقتی بنده ای از گناه پشیمان شد و به سوی خدا بازگشت و گفت:

الهی اتا اسأتُ

خدای من! من بد کردم.

خدا می فرماید:

وَأَنَا سَتَرْتُ

من آن را پوشاندم.

قَيِّقُولُ: «الهی اتا تدمت».

و چون می گوید: خدای من! من پشیمان شدم.

خدا می فرماید:

وَأَنَا قَبِلْتُ

من قبول کردم.

إِیَّهَا الشَّابَّ إِذَا بُتَّ ثُمَّ تَقَضَّتْ فَلَا تَسْتَحِي ان تَرَجِعَ إِلَيْنَا: ای جوان، اگر توبه کردی و شکستی، حیا نکن که دیگر بار به سوی ما برگردی!

وَإِذَا ثَانِيًا فَلَا تَسْتَحِي أَوْ يَمَنَّكَ الْحَيَاءُ ان تَأْتِيَنَا ثَالِثًا

و هر گاه دوباره توبه را شکستی، حیا نکن. آیا حیا تو را از اینکه سه باره به سوی ما بیایی، منع می کند؟ (: حیا نکن و بیا.)

وَإِذَا تَقَضَّتْ ثَالِثًا قَارِجِعَ إِلَيْنَا رَابِعًا

و هر گاه برای سومین بار توبه را شکستی، برای چهارمین بار به سوی ما بیا.

قَاتَا الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَبْخُلُ

من بخشنده ای هستم که بخل نمی ورزم.

وَأَنَا الْحَلِيمُ الَّذِي لَا أَعْجَلُ

من بردباری هستم که شتاب نمی کنم.

وَأَنَا الَّذِي اسْتَرْتُ عَلَى الْمَعَاصِي وَأَقْبَلُ التَّائِبِينَ، وَأَعْفُو عَنِ الْخَاطِئِينَ، وَارْحَمُ النَّادِمِينَ

من آنم که: بر معاصی پرده می پوشم، و توبه کنندگان را قبول می کنم و از خطا کنندگان می گذرم و به پشیمانان، رحم می کنم.

وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و من رحم کننده ترین رحم کنندگانم.

مَنْ ذَا الَّذِي آتَىٰ إِلَيْنَا قَرْدَنَاهُ؟

کدام فردی به سوی درگاه ما آمد و او را رد کردیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي لَجَأَ إِلَىٰ جَانِبِنَا قَطْرَدَنَاهُ؟

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق، ص: ۱۹۹

چه کسی به سوی ما پناه برد و ما او را دور کردیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي تَابَ إِلَيْنَا وَمَا قَبْلَنَاهُ؟

چه کسی به سوی ما بازگردد که او را نپذیرفتیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي طَلَبَ مِنَّا وَمَا اعْطَيْنَاهُ؟

چه کسی از ما درخواستی کرد که به او عطا نکردیم؟

مَنْ الَّذِي اسْتَقَالَ مِن دُنْيِهِ قَمَا عَقْرَنَاهُ؟

چه کسی از ما آمرزش خواست و ما او را نیامرزدیم؟

أَنَا الَّذِي اغْفِرُ الذُّنُوبَ وَ أَسْتُرُ الْغُيُوبَ وَ اغْيِثُ الْمَكْرُوبَ، وَ أَرْحَمُ الْبَاكِي التَّدُوبَ وَ أَنَا عَلَامُ الْغُيُوبِ

من آنم که گناهان را می آمرزم و عیب ها را می پوشانم و اندوهناکان را یاری می کنم و به گریان ندبه کننده رحم می کنم و من دانای امور نهان و پنهان هستم.

دعاهای مأثور، عذرخواهی و پوزش طلبی را به بندگان گناهکار یاد می دهد.

در این جمله از دعا دقت کنید که چگونه معاذیر بنده را در درگاه خدا عرضه می دارد و او را با خدا آشنا می سازد:

الهِى لَمْ اَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَ اَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاحِدٌ وَ لَا يَاْمُرُكَ مُسْتَخِفٌّ وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لِوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ وَ لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَ غَلَبَتْنِي هَوَايَ وَ اَعَانَتْنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَ عَرَّيْتَنِي سِتْرَكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ...

خدای من! معصیت تو را نکردم در هنگامی که معصیت کردم؛ در حالی که پروردگاریت را منکر باشم و فرمان تو را سبک شمرده باشم و یا آنکه خود را در معرض عقاب تو قرار دهم و یا تهدید تو را سست گرفته باشم؛ ولی خطایی روی داد و نفس من، آن را از برای من زینت داد و شقاوتم کمک کرد و پرده پوشی تو بر من، مغرورم نمود.

در این جمله نیز دقت کنید:

الهِى رَبِّيْتِنِي فِي نِعَمِكَ وَ اِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَ تَوَهَّتَ يَا سَمِيًّا كَبِيرًا قِيَا مِنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا يَا حَسَانِيهِ وَ تَفَضَّلِيهِ وَ نِعَمِيهِ وَ اَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ اِلَى عَقُوهِ وَ كَرَمِهِ. مَعْرِقَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَ حَيِّي لَكَ شَفِيعِي اِلَيْكَ...

معبود من! مرا در نعمت و احسانت پرورش دادی در وقتی که صغیر بودم و نامم را آن هنگام که کبیر شدم، بلند کردی. پس ای کسی که تربیت کرد مرا در دنیا به احسان و فضل و نعمتش و برای من در آخرت به سوی عفو و کرمش اشاره کرد. ای آقای من!

معرفت من راهنمایم به سوی تو است و دوستیم شفیع من در نزد تو است.

و یا:

اِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي قَزَعْتُ وَاذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ قَانَ عَفْوَتَ فَخَيْرُ رَاحِمٍ وَاَنْ عَدَبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ...

وقتی گناهانم را می بینم، می هراسم، و وقتی کرم تو را می نگرم به آن طمع می کنم. پس اگر عفو کنی بهترین رحم کننده ای و اگر عذاب کنی، ستمگر نیستی!

این جملات از دعای «ابی حمزه ثمالی» است. تمام جمله های این دعا روح بخش است و خواننده را به عالم روحانی و ملکوتی سیر می دهد. انتخاب جمله های این دعا ممکن نیست؛ چون تمام جمله هایش منتخب است. این جملات، انسان را به سوی خدا می برد؛ و او را از گناه به توبه حقیقی روانه می کند.

توبه در اسلام برای همه انسان ها فراهم است. هر شخص در هر کجا که باشد؛ می تواند اگر گذشته تاریک و ندامت انگیز دارد، آن را با توبه و استغفار فراموش سازد و اگر چند قطره اشکی هم بریزد و به درگاه خدا اظهار بندگی و عجز نماید، خوشا به حال او.

برنامه توبه و استغفار این است:

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

و هر کس کار بدی کند، یا بر خویش ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

و نیز:

كَتَبَ رَبِّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا يَجْهَالُهُ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَاصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن گاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است.

در ماه رمضان برنامه توبه و استغفار، تازه می شود و مسلمانان عموماً در هر حال و در هر شرایطی که هستند باید بر سر این خوان و سفره گسترده آمرزش و مغفرت خدا بنشینند و هر فردی به فراخور حال خود به استقبال آینده بهتر و شرافتمندانه تری برود. چرا که در غیر این صورت:

قَالَشَّقِي مَنْ حَزَمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ

بدبخت کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم بماند [و نتواند خود را عوض کند و گناه و معصیت را کنار بگذارد].

از اول ماه رمضان تا پایان آن باید زبان مؤمن روزه دار، به استغفار باز باشد.

ادعیه شب ها، سحرها و روزها و هنگام افطار، همه متضمن طلب مغفرت است. مخصوصاً شب های قدر برای توبه و اصلاح حال و تغییر روش و حرکت فکری و اخلاقی، فرصت های عزیزی است که فوت آن فرصت ها، نشان بی لیاقتی است.

پاینده باد اسلام! که با چنین تعالیم و برنامه های نجات بخش به کمک بشریت آمده و او را به عالی ترین اخلاق انسانی رهبری می نماید.

نویسنده ای به نام «فرانزستال» در مقاله ای که در یکی از مجلات منتشر نموده، بعد از مقایسه ای که بین حرکت تسلیح اخلاقی و نظر «دکتر فرانک بکمان» مؤسس «جمعیت تسلیح اخلاقی» کرده، نتیجه گرفته است که اسلام از جهت تسلیح اخلاقی اسبق است. وی می نویسد:

توبه در اسلام وسیله ای است که افراد خودشان خود را تغییر دهند و سلاح اخلاقی بزرگی است؛ زیرا متضمن پشیمانی و تغییر حال و تحول است.

اگر این نویسنده از برنامه های ماه رمضان و از ادعیه ای که مؤمنان می خوانند و از حالات، گریه ها، مناجات ها، زاری های آن ها آگاه بود، می دانست که وسایل تسلیح اخلاقی آن چنان که در اختیار مسلمانان است در اختیار هیچ ملت و جامعه ای نیست.

حیف که از این وسایل چنان چه باید و شاید استفاده نمی شود و افسوس که از این مکتب تربیت، فدردانی نشده و به حقایق و مقاصد آن آشنا نمی شویم.

برادر و خواهر عزیز! قدر این همه درهای رحمتی را که به سوی تو گشوده شده است، بدان. توبه و استغفار کن، تغییر حال بده و رفتار خود را با تعالیم اسلام منطبق ساز. حال که خدا به تو توفیق داده و ماه رمضان را درک کرده ای و در مجالس قرائت قرآن، دعا، موعظه و اخلاق و در مساجد و نماز جماعت و مراسم دیگر شرکت می کنی، استفاده کن. میان بنده ای که به سوی خدا کوچ می کند، چندان مسافتی نیست.

«وَأَنَّ الْقَاصِدَةَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَاقَةِ»

حقیقتاً توبه کن. تصمیم بگیر که خود را عوض کنی و تغییر وضع بدهی. تصمیم بگیر که از گناه و گناهکاران فاصله بگیری.

بی شک اگر در صف توبه کاران، استغفار کنندگان در نیایی و فقط بر زبان «استغفرالله» جاری کنی، توبه حاصل نمی شود.

گناهان خود را به یاد آور و به حافظه ات مراجعه کن و بین خود و خدا به معاصی اقرار و اعتراف کن و از همه گناهان توبه نما و یک لحظه نیز توبه را تأخیر نینداز که بسا پس از آن، دیگر توفیق توبه حاصل نخواهد شد.

گریه کن، اشک بریز و فرصت را غنیمت شمرده و با دل سوخته خدا را بخوان و بگو:

سَيِّدِي اَنَا اسئَلُكَ مَا لَا اسْتَحِقُّ وَأَنْتَ اَهْلُ التَّقْوَى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ قَاغْفِرْ لِي وَالْيَسِينِي مِنْ تَطَرَكْتُ تَوْباً يُعْطَى عَلَيَّ الدُّوْبَ
وَالْتَّبِعَاتِ وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا اِطَالْبُ بِهَا اَنَّكَ دَوْمَنَّ قَدِيمٌ وَصَفَحَ وَتَجَاوَزَ كَرِيمٌ …